کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: مُرشد العوام (کتاب الصّلوة و کتاب الصّوم) در ۲ جلد

مؤلف متن: ابوالقاسم بن حسن جیلانی معروف به میرزای قمی — محشی

شارح — مترجم —

تاریخ تحریر: اواخر قرن ۱۳ — نوع خط: نسخ — تعداد سطر: ۲۰

موضوع: فقه — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۷۰

طول: ۲۰/۵ — عرض: ۱۵ — شمارهٔ عمومی: ۲۷۳۳۰

وقفی / خریداری: آستان قدس رضوی

تاریخ وقف: شهریور ماه ۱۳۸۰ — نام کاتب: —

ملاحظات: نسخه ناقص الآخر است

کتاب مرشد العوام من مؤلفات مجتهد الزمانی میرزا ابوالقاسم اعلی الله مقامه

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله اجمعین چنین گوید
اقل عباد الله ابوالقاسم ابن الحسن الجیلانی که این چند کلمه ایست در بیان
مسائل عبادات حسب الالتماس [?] جماعتی از برادران دینی در قوم فهم نوشته
شد میگردد و آنرا مسمی کردم بمرشد العوام و مرتب کردانیدم بچند
(کتاب الصلوة) چون نماز افضل اعمال دینیه است و مقبولی آن شرط قبول سایر عبا
دات است آنرا مقدم داشتم بر سایر عبادات و آن بر دو قسم است واجب
و سنت و گاهی کراهت بر آن عارض میشود بسبب امور خارجیه مثل نماز
در حمام و امثال آن و نمازهای واجبی هفت است نمازهای یومیه
و نماز جمعه و نماز عیدین و نماز آیات و نماز طواف و نمازی که بسبب
نذر و شبه آن واجب شده باشد یا باستیجار لازم شده باشد و نماز
میت و افضل افراد آن نماز پنجگانه است که در هر شبانه روز واجبست
بجا آوردن آن و نمازهای سنتی بسیار است و بعد از این مذکور خواهد
شد و افضل آنها نافله شبانه روزیست و شرط وجوب نماز بلکه سایر
عبادات بلوغ است و عقل و فهم پس طفل و دیوانه و انسان بیهوش و کسی

کرد خوار

که در خواب باشد بر اینها تکلیفی نیست و اما اینکه قضای نماز و روزه
بر آنها هست یا نه بعد از این مذکور خواهد شد بلی سنت است که اطفال را
وادارند و آنها را بعبادت عادت بدهند از چند چیز و دور نیست که
بجهت اطفال هم ثوابی باشد در آن عبادت و بلوغ دانسته میشود به یکی
از چند چیز اول احتلام است و آن عبارت است از بیرون آمدن
منی از فرج مرد یا زن در بیداری یا در خواب دوم روئیدن موی درشت
است در اطراف فرج مرد یا زن و موی زیر بغل و رانها اعتباری ندارد
بعضی از علما اعتبار بروئیدن موی پشت لب هم کرده اند و خالی از قوتی نیست
سیم تمام شدن سال پانزده است در مرد و تمام شدن نه سال تمام است
از برای زن و بعضی تمام شدن [illegible] را در مرد کافی دانسته اند سال پانزدهم
و بعضی بداخل شدن در سال پانزدهم ذکر کرده اند و قول اول اقوی است
پس هر گاه احتلام یا روئیدن مو حاصل شود دیگر تمام شدن سال را انتظار
نباید کشید و هر گاه باینها معلوم نشود سن را اعتبار میکند اما
حایض شدن زن و حامله شدن او پس این نیز علامت بلوغست جز مثلکه
علما آنها را علامت سبق بلوغ گرفتند و گفتند که هر گاه عقدی یا معامله
از او صادر شود متصل بزمان حیض یا انعقاد نطفه آن معا
مله صحیح است و این در نزد حقیر خالی از اشکال نیست پس الحال
شروع میکنم در مسائل نماز و مقدم میدارم مقدمات نماز را و بعد از
آن میپردازیم بذکر حقیقت نماز و احکام آن و بیان اینها در ضمن چند قا
عده میشود (قاعده اولی) در بیان مقدمات نماز است و آن در ضمن چند منهج
بیان میشود (منهج اول) در طهارت است و آن بر دو قسم است طهارت از

حدث و آن حالتیست که مانع از دخول نماز است و ازاله آن محتاج
به نیت است مثل بیرون آمدن بول و غایط و جنب شدن و حایض شدن
و امثال آنها و طهارت از خبث و آن عبارتست از نجاست و ازاله آن
محتاج نیست به نیت مانند غایط و خون و مثل آنها و مقدم میداریم
مسائل طهارت از حدث را و آن بسه چیز حاصل میشود وضو و غسل و تیمم
و بیان مسائل این هر دو قسم در ضمن چند باب ذکر میشود باب اول در وضو است
و در آن چند فصل است فصل اول در احکام و اقسام و موجبات و در آن چند
مطلب است مطلب اول وضو منقسم میشود بواجب و سنت و وضو واجب
میشود از برای نماز واجب و طواف واجب و بجهت مس کتاب و قرآن یعنی
رسانیدن دست و بدن بکتابت آن هر گاه واجب شده باشد این مس
کتابت بنذر یا شبه آن [illegible] بدرستی که بی حدث حرامست مس کتابت
قرآن و چنانکه وضو واجبست از برای مذکورات شرط صحت آنها نیز
و گاهی وضوء واجب میشود بسبب نذر و عهد و قسم و بدانکه وضوء
وجوبی فی نفسه نمیباشد بلکه وجوب آن از برای غیر است مثل نماز
و طواف و تا وقت داخل نشود به نیت وجوب نمیتوان ساخت مگر
وضوی که بنذر یا شبه آن واجب شده اما هر گاه وقت داخل شود
و وضو داشته باشد پس اگر آن وضوی که کرده از برای نماز واجبی
یا سنتی ساخته بوده یا از برای هر چیز که قصد رفع حدث در آن کرده
باشد مثل وضوء بجهت تلاوت قرآن باشد یا دخول مساجد یا از برای
اینکه با طهارت بخوابد پس بهمان اکتفا میتوان کرد و وضوی دیگر در کار
نیست بلکه هر گاه در نیت صریحا قصد رفع حدث نکند بلکه قصد

فعل را

۳

فعل را بکنند که صحت آن یا کمال آن مشروط برفع حدث باشد مثل قراءت قرآن
و امثال آن نیز کافیست و اگر آن وضوی که دارد از این قبیل نباشد بلکه
وضوی تجدیدی باشد پس هر گاه معلومش باشد که حدثی از و صادر
شده بوده است و بعد از آن وضوی تجدیدی ساخته بوده است در
اکتفا بآن وضوء اشکالست و احوط است که حدثی بعمل بیاورد و بعد
از آن وضو بسازد یا اینکه وضوی [illegible] دیگر برای نماز بقصد قربت
و نیت واجب و سنت نکند و همچنین وضوی که از برای آمدن
مذی ساخته باشد و بعد از آن معلومش شود که حدثی پیش
از وضو واقع شده بوده است اگر چه مثل وضوی تجدیدی است و
اما وضوئی که از برای خوابیدن با طهارت ساخته باشد پس اظهر است
که بآن وضو تواند نماز کند مطلب دوم سنتست وضو در مواضع بسیار
از جمله آنها وضوء از برای نمازهای سنتی و طواف سنت و سایر مناسک
حج و قرائت قرآن و مس کتابت قرآن و با خود داشتن قرآن و دخول
مساجد از برای اینکه با وضو باشد [illegible] و از برای مهیا بودن بجهت
نماز است قبل از دخول وقت و ظاهر اینست که همین وضوی نماز است
که جایز است پیش از وقت به نیت سنت بکنند و باید قصد آن همین
مهیا بودن از برای نماز باشد اما اگر [illegible] باشد و بجهت اینکه در تمامی
وضو قصد [illegible] و مقدم دارد در این صورت در صحت
این وضو قبل از وقت اشکالست بلکه ظاهر اصح نیست و ظاهر اینست که هر گاه
داند که در اول وقت نماز میسر نمیشود اما آن که میسرش میشود و میخواهد

آنرا بگیرد واشکالی که از بعض متأخرین ظاهر میشود بیوجه است وظاهر اینست که هرگاه
کسی نذر کند که ده روز از ایام تابستان سال معین را روزه بگیرد یا ده روز از ماه
معین را ونگیرد تا آن تابستان منقضی شود یا آن ماه که آن نیز داخل نذر معین است واما
قضای ماه رمضان یا نذر مطلق مثل اینکه نذر کرده بود که یک روزی روزه بگیرد و معین
نکرده بود وهمچنین روزه کفاره پس هرگاه مفسدی بعد آنها بعمل بیاورد باید روز دیگری را
بگیرد ولیکن این را قضا نمیگویند وهمچنین روزه سنت قضا ندارد بلی محقق وغیر او گفته اند
که هرکس که روزه سه روز سنتی هر ماه را تاخیر کند سنت است که قضای آنرا بگیرد ومتابعت
ایشان خوبست اینها مواضعیست که قضا بآن تعلق میگیرد واما مواضعی که کفاره بآن
تعلق میگیرد اما روزه رمضان پس شکی نیست که کفاره بآن تعلق میگیرد ودر مواضع از آن نیز
وهمچنین در نذر معین و روزه اعتکاف هرگاه واجب شود بدون خلافی بلکه دعوی اجماع
بر آن شده ظاهرا چنانکه ظاهر ایشان اینست که اتفاق دارند که کفاره تعلق نمیگیرد بروزه
کفاره و نذر غیر معین و روزه سنتی وجمعی دعوی اجماع بر آن کرده اند ولیکن اختلاف
کرده اند در قضای ماه رمضان هرگاه بعد از ظهر آنرا باطل کند بعد از آنکه اتفاق
ظاهرا بر حرمت افطار آن بعد از ظهر بین مشهور واقوی اینست که کفاره در آن واجب است
وجمعی دعوی اجماع بر آن کرده اند وخلاف ابن ابی عقیل ضعیف است مطلب در کفاره افطار ماه
رمضان آزاد کردن بنده است یا روزه گرفتن دو ماه پی در پی یا اطعام شصت مسکین
واظهر اینست که مکلف مختار است هر یک از این سه تا را که خواهد میتواند اختیار کند
وبعضی علما قایل شده اند بترتیب یعنی هرگاه مقدور باشد اولا آزاد کردن
بنده واجبست وهرگاه از آن عاجز شود روزه دو ماه را بگیرد وهرگاه از آن هم عاجز
باشد شصت مسکین را طعام دهد واین افضل است لیکن وجوب ندارد واکثر علما
فرق نگذاشته اند